

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٢٨٧ / ٢ / ٥

١٥٢٥٧٧



دانشکده اصول الدین

شم

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه دکتری

موضوع:

# بررسی نظریه ترادف در ادب عربی و قرآن

نگارش:

سیده وحیده رحیمی

استاد راهنما:

دکتر محمد علی مهدوی راد

استادان مشاور:

دکتر سید محمود طیب حسینی

سال تحصیلی: ۸۶ - ۸۵

دکتر احمد عابدی

نیمسال: دوم

۱۰۴۵۶۶

(ب)

کتابخانه اساتید و محققان  
دانشکده اصول الدین  
تبریز

۱۳۸۷ / ۱۲ / ۵



كلية اصول الدين

قم

قسم علوم القرآن و الحديث

رسالة الدكتورا

العنوان

**تحليل و دراسة حول الترادف**

**في الادب العربي و القرآن**

**الاستاذ المشرف**

دكتور محمد على مهدي راد

**الاستاذ المشاور**

دكتور السيد محمود طيب حسيني

دكتور احمد عابدي

**اعداد**

السيدة وحيدة رحيمي

٨٥ - ٨٦

## تقدیم و اهداء

تقدیم به تمام کسانی که راه نجات خود را در قرآن می‌جویند.  
تقدیم به روح مطهر پدرم، شهید حجت الاسلام سید فخرالدین رحیمی  
که اولین معلم و مشوق من بود.  
و به یاد استاد دکتر رضا هادیزاده (ره) و  
دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی (ره)

## تقدیر و تشکر

با آرزوی علو درجات برای مؤسس دانشکده اصول دین، استاد بزرگ مرحوم علامه عسکری که عمر با برکت خود را در راه احیاء اصول دین نهاد.

و با یادی نیک از قرآن پژوه معاصر، استاد مرحوم آیه الله معرفت که راهنمایی این رساله را بر عهده داشتند.

با تشکر فراوان از استاد گرانقدر، دکتر محمد علی مهدوی راد که در ادامه‌ی این پژوهش، راهنمایی را قبول کردند، و در طی این سالها صبور و مهربان در خدمت قرآن به تربیت دانشجویان پرداختند. با سپاس و تقدیر از استاد محترم دکتر احمد عابدی که همواره با حوصله و درایت، به گسترش معارف اسلامی همت می‌کنند.

هم چنین با قدردانی از استاد محترم جناب دکتر سید محمود طیب حسینی که در مراحل نهائی پایان نامه به این جمع پیوستند، اما با بذل وقت و صرف حوصله‌ی فراوان به رفع مشکلات، کمک کردند.

دانش پژوهان و علاقمندان به علوم قرآنی، در کتابخانه تخصصی علوم قرآن و تفسیر، فضائی آرامش بخش می‌یابند که نشان از دقت و مشقت فراوان دست‌اندرکاران، بخصوص استاد عزیز جناب آقای دکتر مهدوی راد دارد که خدای متعال بر برکات او بیفزاید.

لازم است از زحمات بی‌دریغ و مستمر مسئولان محترم کتابخانه‌ی فرهنگ و معارف اسلامی آقایان حجج الاسلام: رضا زاده، حسن پور، موسوی، حبیبی، احمدی کمال قدردانی و سپاسگزاری به عمل آید.

## چکیده

این پژوهش در دو محور زبان عربی و قرآن، مترادف را از دیدگاه متقدمان و متاخران بررسی می‌کند. این اصطلاح تا قرن سوم با عناوینی غیر از مترادف در محورهایی چون: اسامی و صفات متعدد برای یک چند مسمی و یا اختلاف الفاظ و اتفاق معانی دیده می‌شود. با مطالعه و تأمل در آثار متقدمان به جهت دریافت اندیشه آنان از مترادف، مفهومی جز تطبیق در اجزائی از معانی به دست نمی‌آید. رمانی، ابن فارس به عنوان پیشروان در به کارگیری اصطلاح مترادف معرفی می‌شوند، اما باید این تاریخچه را تغییر داد و ترمذی و همدانی را در چندین دهه قبل از آنان در این جایگاه قرار داد. با بررسی دقیق تألیفات موافقان و مخالفان مترادف، بسیاری از تعارض‌ها و اختلاف‌ها از بین می‌رود و افراد با دیدگاه‌های مشترک در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، هر چند نقاط تأکید متفاوت دارند. متاخران با استناد بر ملاک‌های ذهنی خود به نقادی آثار متقدمان می‌پردازند که این نوع نقادی محققانه و واقع بینانه نیست.

مفسران در تفسیر آیات الهی و تبیین معانی الفاظ به جنبه‌های متفاوت و متشابه پرداخته‌اند. این نظریات گاه بعد از واحد تلقی کردن معانی الفاظ به چشم می‌خورد. از این شواهد چنین بر می‌آید که واحد دانستن معانی الفاظ، با ذکر فروق به مفهوم اتحاد کامل معانی نیست، بلکه مترادف فی الجمله را در الفاظ به اثبات می‌رساند. با دعوت به تدبر در آیات الهی، می‌توان فروق الفاظ را در این چنین حکیمانه یافت. عدم فهم و دریافت این فروق به معنای عدم وجود فروق نیست.

کلیدواژه‌ها: مترادف، مترادف تام، متقارب المعنی، اختلاف الفاظ اتفاق معانی، فروق.

## فهرست مطالب

|    |                                    |
|----|------------------------------------|
| ۱  | فصل اول: کلیات.....                |
| ۲  | کلیات .....                        |
| ۲  | ۱- ۱. مقدمه .....                  |
| ۳  | ۲- ۱. معرفی موضوع .....            |
| ۴  | ۳- ۱. بیان اهمیت موضوع .....       |
| ۵  | ۴- ۱. پیشینه‌ی تحقیق .....         |
| ۵  | ۱- ۴- ۱. کتب .....                 |
| ۷  | ۱- ۴- ۲. پایان نامه .....          |
| ۷  | ۱- ۴- ۳. مقالات .....              |
| ۹  | ۵- ۱. سؤال‌های اصلی .....          |
| ۹  | ۶- ۱. فرضیه‌ی پژوهش .....          |
| ۹  | ۷- ۱. روش تحقیق .....              |
| ۱۰ | ۸- ۱. محدودیت‌های پژوهش .....      |
| ۱۱ | فصل دوم: مترادف در زبان عربی ..... |
| ۱۲ | ۱- ۲. مترادف در منابع لغوی .....   |
| ۱۴ | نتیجه .....                        |

- ۲-۲. مترادف اصطلاحی و رابطه‌ی آن با معنای لغوی ..... ۱۵
- ۳-۲. پیشینه‌ی تدوین ..... ۱۶
- ۲-۳-۱. اسامی و صفات متعدد برای یک یا چند مسمی ..... ۱۷
- ۲-۳-۱-۱. «ابوعبیده‌ی معمر بن مثنی‌ی تیمی ۲۰۹ هـ.» ..... ۱۸
- ۲-۳-۱-۲. «ابوزید سعید بن اوس انصاری ۲۱۵ هـ.» ..... ۱۹
- ۲-۳-۱-۳. «عبدالملک بن قریب اصمعی ۲۱۶ هـ.» ..... ۲۱
- ۲-۳-۱-۴. «ابوعبیده، قاسم بن سلام، ۲۲۴ هـ.» ..... ۲۱
- ۲-۳-۲. اختلاف الفاظ، اتفاق معانی ..... ۲۲
- ۲-۳-۲-۱. «عبدالملک بن قریب اصمعی، ۲۱۶ هـ.» ..... ۲۴
- ۲-۳-۳. عناوین متنوع ..... ۲۶
- ۲-۳-۳-۱. «ابن سکیت، ۲۴۴ هـ.» ..... ۲۷
- ۲-۳-۳-۲. «ابن درید، ۳۲۱ هـ.» ..... ۲۸
- ۲-۳-۳-۳. «جاحظ، ۲۵۵ هـ.» ..... ۲۹
- ۲-۳-۳-۴. «ثعلب، ۲۸۱ هـ.» ..... ۳۰
- ۲-۳-۳-۵. «بندنیجی، ۲۸۴ هـ.» ..... ۳۱
- ۲-۳-۳-۶. «همدانی، ۳۲۰ هـ.» ..... ۳۱
- ۲-۳-۳-۷. «ابوالفرج، قدامة بن جعفر، ۳۳۷ هـ.» ..... ۳۲
- ۲-۳-۳-۸. «ابوهلال عسکری، ۳۹۵ هـ.» ..... ۳۳
- ۲-۳-۳-۹. «ابن اثیر، ۶۰۶ هـ.» ..... ۳۳
- ۲-۳-۴. وجوه و نظائر ..... ۳۵
- نتیجه ..... ۳۷
- ۴-۲. اصطلاح مترادف و پیشینه‌ی آن ..... ۳۹
- ۴-۲-۱. نخستین کاربرد این واژه در متن منابع ..... ۳۹
- ۴-۲-۲. نخستین کاربرد این واژه در عناوین منابع ..... ۴۱
- ۴-۲-۱. «رمانی، ۳۸۴ هـ.» ..... ۴۱



- ۴۲.....۲-۲-۴-۲. «همدانی، ۳۲۰ ه.». «همدانی، ۳۲۰ ه.»
- ۴۴.....۳-۲-۴-۲. «ترمذی ۳۲۰ ه.» «ترمذی ۳۲۰ ه.»
- ۴۷.....رفع یک خطا.....
- ۴۷.....نتیجه.....
- ۴۹.....چکیده‌ی فصل دوم.....
- ۵۰.....**فصل سوم: دیدگاه متقدمان و متأخران در باره‌ی ترادف**.....
- ۵۱.....۱-۳. برخورد آراء متأخران با متقدمان.....
- ۵۳.....۲-۳. زبان عربی و موافقان و مخالفان ترادف.....
- ۵۴.....۱-۲-۳. موافقان ترادف.....
- ۵۴.....۱-۱-۲-۳. «سیویه، ۱۸۰ ه.».....
- ۵۵.....۲-۱-۲-۳. «قطرب، ۲۰۶ ه.».....
- ۵۵.....۳-۱-۲-۳. «ابوزید انصاری، ۲۱۵ ه.».....
- ۵۵.....۴-۱-۲-۳. «اصمعی، ۲۱۶ ه.».....
- ۵۶.....۵-۱-۲-۳. «قاسم بن سلام، ۲۲۴ ه.».....
- ۵۶.....۶-۱-۲-۳. «ابن سکیت، ۲۴۴ ه.».....
- ۵۷.....۷-۱-۲-۳. «مبرد، ۲۸۵ ه.».....
- ۵۸.....۸-۱-۲-۳. «همدانی، ۳۲۰ ه.».....
- ۵۸.....۹-۱-۲-۳. «ابن خالویه، ۳۷۰ ه.».....
- ۵۹.....۱۰-۱-۲-۳. «ابوعلی فارسی، ۳۷۷ ه.».....
- ۶۱.....۱۱-۱-۲-۳. «رمانی، ۳۸۴ ه.».....
- ۶۱.....۱۲-۱-۲-۳. «ابن جنی، ۳۹۲ ه.».....
- ۶۲.....۱۳-۱-۲-۳. «ابن سیده، ۴۵۸ ه.».....
- ۶۳.....۱۴-۱-۲-۳. «ابن اثیر، ۶۰۶ ه.».....
- ۶۳.....۱۵-۱-۲-۳. «فیروزآبادی، ۸۱۶ ه.».....
- ۶۵.....۲-۲-۳. مخالفان ترادف.....

- ۶۷..... ۱-۲-۲-۳. «ابن اعرابی، ۲۳۱ هـ.»
- ۶۸..... ۲-۲-۲-۳. «ثعلب، ۲۸۱ هـ.»
- ۶۸..... ۳-۲-۲-۳. «ابوبکر محمد بن قاسم انباری، ۳۲۸ هـ.»
- ۷۰..... ۴-۲-۲-۳. «ابن درستویه، ۳۴۷ هـ.»
- ۷۱..... ۵-۲-۲-۳. «ابن فارس، ۳۸۵ هـ.»
- ۷۲..... ۶-۲-۲-۳. «ابوهلال عسکری، ۳۹۵ هـ.»
- ۷۳..... ۳-۳. مخالفان مترادف در بوته‌ی انتقاد.....
- ۷۷..... ۴-۳. رفع نزاع و مناقشه‌ی ظاهری مخالفان و موافقان.....
- ۷۹..... نتیجه.....
- ۸۰..... ۵-۳. ادله‌ی موافقان و مخالفان مترادف.....
- ۸۰..... ۱-۵-۳. ادله‌ی موافقان مترادف.....
- ۸۰..... ۱-۱-۵-۳. ادله‌ی عقلی.....
- ۸۱..... ۲-۱-۵-۳. ادله‌ی نقلی.....
- ۸۲..... نتیجه.....
- ۸۳..... ۲-۵-۳. ادله‌ی مخالفان مترادف.....
- ۸۳..... ۱-۲-۵-۳. توقیفی یا قراردادی بودن لغت.....
- ۸۴..... ۲-۲-۵-۳. علل تسمیه یا معانی اصلی.....
- ۸۷..... ۳-۲-۵-۳. منافات داشتن با عقل و قیاس.....
- ۸۸..... ۴-۲-۵-۳. مخالفت با اصل وضع.....
- ۸۸..... ۵-۲-۵-۳. لهجه.....
- ۸۹..... ۶-۲-۵-۳. اختلاف ذات و صفات.....
- ۹۱..... ۷-۲-۵-۳. اختصارگوئی.....
- ۹۱..... ۸-۲-۵-۳. صعوبت حفظ اسامی متعدد.....
- ۹۲..... ۹-۲-۵-۳. عطف مترادفات به یکدیگر.....
- ۹۲..... ۱۰-۲-۵-۳. گزارش معاجم و کتب لغت از الفاظ مترادف.....

- ۹۲..... نتیجه
- ۹۳..... ۶-۳. ترادف از دیدگاه متأخران
- ۹۸..... ۱-۶-۳. انواع ترادف از دیدگاه متأخران
- ۱۰۰..... ۲-۶-۳. مستشرقان و ترادف
- ۱۰۲..... ۷-۳. شرایط ترادف
- ۱۰۳..... نقد و بررسی شرایط متأخران
- ۱۰۴..... ۸-۳. عوامل زمینه‌ساز مترادفات
- ۱۰۶..... ۱-۸-۳. تطور لغوی
- ۱۰۶..... ۱-۱-۸-۳. تطور صوتی
- ۱۰۶..... ۱-۱-۱-۸-۳. قلب
- ۱۰۶..... ۲-۱-۱-۸-۳. ابدال
- ۱۰۶..... ۳-۱-۱-۸-۳. تعجیم
- ۱۰۷..... ۴-۱-۱-۸-۳. حذف
- ۱۰۷..... ۲-۱-۸-۳. تطور دلالت، پدیده‌ای نو یا اندیشه‌ای قدیمی (ابوحاتم رازی ۳۲۲ هـ..)
- ۱۰۹..... ۱-۲-۱-۸-۳. صفات غلبه یافته
- ۱۱۰..... ۲-۲-۱-۸-۳. تعمیم
- ۱۱۲..... ۳-۲-۱-۸-۳. تخصیص
- ۱۱۳..... ۴-۲-۱-۸-۳. تصحیف
- ۱۱۳..... ۵-۲-۱-۸-۳. تحریف
- ۱۱۳..... ۶-۲-۱-۸-۳. وهم و خطا
- ۱۱۴..... ۷-۲-۱-۸-۳. مجاز
- ۱۱۵..... ۲-۸-۳. اختلاف لهجه‌ها
- ۱۱۸..... ۳-۸-۳. معرب و دخیل
- ۱۱۹..... ۴-۸-۳. اتباع
- ۱۲۰..... ۵-۸-۳. اشتقاق و اختلاف اعتبارها

- ۱۲۰ ..... ۳-۸-۶. نحل الشعر
- ۱۲۱ ..... ۳-۸-۷. گرایش به کنیه در بین عرب
- ۱۲۱ ..... نتیجه
- ۱۲۲ ..... ۳-۹-۹. آثار ترادف
- ۱۲۲ ..... ۳-۹-۱. آثار منفی
- ۱۲۳ ..... ۳-۹-۲. آثار مثبت
- ۱۲۴ ..... ۳-۱۰-۱. برخی آثار متأخران در جمع مترادفات
- ۱۲۶ ..... چکیده فصل سوم
- ۱۲۸ ..... **فصل چهارم: ترادف در قرآن**
- ۱۲۹ ..... ۴-۱. شگفتی‌های تعابیر قرآنی (ادله قرآنی و روایی)
- ۱۳۱ ..... ۴-۲. ردف در قرآن
- ۱۳۲ ..... ۴-۳-۳. علوم قرآنی
- ۱۳۲ ..... ۴-۳-۱. احرف سبعة
- ۱۳۷ ..... ۴-۳-۲. تأکید
- ۱۳۸ ..... ۴-۳-۳. آیات مشابه
- ۱۳۹ ..... ۴-۳-۴. تفسیر
- ۱۴۱ ..... نتیجه
- ۱۴۱ ..... ۴-۴. وقوع یا عدم وقوع مترادفات در قرآن
- ۱۴۱ ..... ۴-۵. متقدمان و طرفداری از وقوع ترادف در قرآن
- ۱۴۱ ..... ۴-۵-۱. «ابن عربی، ۵۴۳ هـ.»
- ۱۴۲ ..... ۴-۵-۲. «ابن اثیر ۶۰۶ هـ.»
- ۱۴۴ ..... نتیجه
- ۱۴۴ ..... ۴-۶. متأخران و طرفداری از وقوع ترادف در قرآن
- ۱۴۴ ..... ۴-۶-۱. دکتر صبحی صالح
- ۱۴۵ ..... ۴-۶-۲. ابراهیم انیس

- ۱۴۵ ..... ۴-۶-۲. ابراهیم انیس
- ۱۴۶ ..... نقد و بررسی
- ۱۴۷ ..... ۴-۶-۳. دکتر احمد مختار عمر
- ۱۵۱ ..... نقد و بررسی
- ۱۵۱ ..... نتیجه
- ۱۵۲ ..... ۴-۷. بررسی عدم وقوع مترادف در قرآن
- ۱۵۵ ..... ۴-۸. متقدمان و عدم وقوع مترادف در قرآن
- ۱۵۵ ..... ۴-۸-۱. «رمانی، ۳۸۴ ه.». «
- ۱۵۵ ..... ۴-۸-۲. «خطابی، ۳۸۸ ه.». «
- ۱۵۶ ..... ۴-۸-۳. «سید مرتضیٰ ۴۳۶ ه.». «
- ۱۵۸ ..... ۴-۸-۴. «ماوردی ۴۵۰ ه.». «
- ۱۵۸ ..... ۴-۸-۵. «طوسی ۴۶۰ ه.». «
- ۱۶۰ ..... ۴-۸-۶. «راغب اصفهانی ۵۰۲ ه.». «
- ۱۶۰ ..... ۴-۸-۶-۱. راغب و دیدگاه او در آثار ادبی
- ۱۶۱ ..... ۴-۸-۶-۲. راغب و دامنه‌ی تطورات لغت
- ۱۶۲ ..... ۴-۸-۶-۳. تفسیر راغب
- ۱۶۲ ..... ۴-۸-۶-۳-۱. آگاهی به رموز لغت
- ۱۶۳ ..... ۴-۸-۶-۳-۲. راغب و مترادفات
- ۱۶۵ ..... ۴-۸-۷. «بغوی ۵۱۶ ه.». «
- ۱۶۶ ..... ۴-۸-۸. «زمخشری ۵۳۸ ه.». «
- ۱۶۷ ..... ۴-۸-۹. «طبرسی ۵۴۸ ه.». «
- ۱۷۰ ..... ۴-۸-۱۰. «قرطبی ۶۷۱ ه.». «
- ۱۷۱ ..... ۴-۸-۱۱. «زرکشی، ۷۹۴ ه.». «
- ۱۷۴ ..... نقد و بررسی
- ۱۷۵ ..... ۴-۸-۱۲. «سیوطی ۹۱۱ ه.». «

- نتیجه..... ۱۷۶
- ۹-۴. متأخران و عدم وقوع ترادف در قرآن..... ۱۷۶
- ۱-۹-۴. «علامه سید محمدحسین طباطبائی (ره)» ..... ۱۸۳
- ۲-۹-۴. «علامه سید مرتضی عسکری، ۱۳۸۶هـ.» ..... ۱۸۳
- ۳-۹-۴. «محمدطاهر بن عاشور ۱۸۶۸م.» ..... ۱۸۴
- ۴-۹-۴. «عائشة عبدالرحمن بنت الشاطیء.» ..... ۱۸۷
- نتیجه..... ۱۹۱
- ۱۰-۴. فروق نگاری..... ۱۹۱
- ۱-۱۰-۴. اصمعی و کتاب الفرق..... ۱۹۳
- ۲-۱۰-۴. جاحظ و البیان و التبیین..... ۱۹۳
- ۳-۱۰-۴. ابن قتیبه و ادب الکاتب..... ۱۹۴
- ۴-۱۰-۴. ابوهلال عسکری و الفروق..... ۱۹۶
- ۵-۱۰-۴. جزائری و فروق اللغات..... ۲۰۲
- نتیجه..... ۲۰۲
- چکیده فصل چهارم..... ۱۲۶
- چکیده فصول..... ۲۰۵
- منابع و مأخذ**..... ۲۰۷
- \* قرآن کریم (ترجمه مجتبی)..... ۲۰۷
- الف) منابع و مأخذ عربی..... ۲۰۷
- ب) منابع فارسی..... ۲۱۸
- ج) پایان نامه ها..... ۲۱۹
- د) مقاله ها..... ۲۱۹

فصل اول:

**کلیات**

# کلیات

## ۱- (۱) مقدمه

فهم دقیق آیات همواره اذهان را به خود مشغول کرده است. برای دریافت این فهم، تبیین الفاظ قرآنی جایگاه مهمی در کتب و آثار دارد. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» نحل، ۴۴»، پیامبر اکرم (ص) از جانب حق تعالی مأمور به تبیین آیات می‌شود. آیات قرآن به وضوح و با صراحت، همگان را به تدبر و تعمق در مضامین خود فرا می‌خواند. این فراخوان اگر با رعایت اصول و ضوابط توأم شود، آیات سایه هدایتگری خود را بر همگان عطا می‌کند.

تأمل در مفاهیم و دلالت‌های الفاظ قرآنی به جهت استخراج و استنباط درک صحیحی از معانی آیات، صاحب نظران را به تألیفاتی گسترده وا داشته است. آنان گاه با دقت و غور در الفاظ و مقایسه آنها با یکدیگر و گاه در جستجوی تفاوت‌های الفاظ به این نیاز پاسخ مثبت داده‌اند. آنان نیک دریافته بودند که برای وصول به این هدف والا، شرایط و مقدماتی نیاز دارند که به منزله کلید ورود به این دنیای پر از رمز و راز است.

«محاسن انوار الهی فقط با دیدگان جلا یافته شکافته و میوه‌ها و ثمره‌های نیک آن با دستانی پاکیزه چیده می‌شود و درون‌های پاک و وارسته می‌توانند به منافع شفا دهنده آن دست یابند. هم چنانکه خداوند در توصیف یابندگان (این مفاهیم) به صراحت می‌فرماید: انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایسه الا المطهرون.<sup>۱</sup>»

این بستر زلال آیات در اختیار جانها و دل‌هایی آماده قرار می‌گیرد که در جستجوی رستگاری در محضر قرآن می‌نشینند و از مفاهیم آن بهره برداری می‌کنند.

۱ - مفردات، راغب، مقدمه.



جلوه‌های اعجازگونه مفاهیم الفاظ و آیات قرآن در تمامی اعصار فرا روی بشر بسان چراغی فروزان است و متناسب با حال هر نیازمند، پرتو افکنی می‌کند.

«از جلوه‌های اعجاز قرآن این است که چنین مسئله‌ای در برابر همه نسل‌ها مطرح باشد و نسل‌های بشری یکی پس از دیگری با آن رویاروی شوند، و این مسئله تا ابد بماند و چونان چشمه‌ای گسترده در پهنه تاریخ، پیوسته همگان را از زلال خویش بهره‌مند سازد، و به افقی ماند که هرگاه نسلی گمان کند، به کرانه‌اش نزدیک شده، به دور دستها، آنجا که فراتر از نگاه هر بیننده‌ای است، بگسترد، و به لسان قله‌ای رفیع توان همه پژوهشگران را در راه رسیدن به فراز خویش به پایان رساند.»<sup>۱</sup>

### ۱-۲. معرفی موضوع

لغویان متقدم با جمع الفاظ متقارب المعنی اولین گام را در ارائه مترادفات برداشتند. به عبارت دیگر این لغویان زبردست با تبحر و دقت به ثبت و ضبط لغات پرداختند. اولین حرکتها، با تألیف کتب لغوی در یک یا چند موضوع سامان یافت که البته نمی‌توان مرز تاریخی معینی بین این دو نوع تألیف قائل شد، به این دلیل که آثار به دست آمده با این دو روش (یعنی تک نگاری و متعدد نگاری) از لغویان متقدم توأم گزارش شده است.

این موضوع به حرکت خود در قرن اول و دوم ادامه داد اما بدون حضور اصطلاح ترادف. لغویان با گزارش الفاظ پیرامون یک موضوع چون: کتاب الخیل یا کتاب المطر و یا پیرامون موضوعات متعدد چون: الغریب المصنف به سمت اصطلاح اختلاف الفاظ و اتفاق معانی می‌رفتند. در طی این کتب و یا به صورت مستقل به فروق این الفاظ هم توجه می‌کردند تا بعد از سپری شدن قرن سوم که اصطلاح ترادف کم کم به میان این دسته کتب راه یافت هر چند با ورود این اصطلاح، لغویان هم چنان با عناوین متعدد دیگر در پی‌ریزی این بنا حرکت خود را ادامه می‌دادند.

این پژوهش با هدف بررسی الفاظ مترادف در قرآن شکل گرفت و به ضرورت این نیاز وجود داشت که در وهله نخست ترادف در زبان و ادبیات عرب پیگیری شود و پس از سامان یافتن اندیشه ترادف در زبان عربی و بررسی پیشینه‌ی آن به این موضوع در قرآن نیز به بحث گذاشته شود.

---

۱ - اعجاز بیانی قرآن، عائشه عبدالرحمن بنت الشاطیء، ترجمه: حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۷۶.

آنچه که از اندیشه‌ی متقدمان در چارچوب زبان عربی برآمد چیزی جز تقارب الفاظ با حضور تفاوت‌ها نبود. نظریات صاحب نظران در حوزه قرآن و ترادف نیز مورد دقت و تأمل قرار گرفت. مفسران با استناد به الفاظ متقارب المعنی برای تفهیم آیات به ذکر بسیاری از الفاظ می‌پردازند. موضوع ترادف نیز در حوزه‌ی اندیشه‌ی آنان از تقارب و تشابه در قسمتهایی از معانی فراتر نمی‌رود و اگر به تفاوت‌ها اشاره نمی‌کنند به علت وضوح مطلب است. چنانکه شیخ طوسی (ره) در کلام خود به صراحت واحد بودن معنای رد و دفع را مطرح می‌کند و بلافاصله به بیان فرق این الفاظ می‌پردازد.<sup>۱</sup> دیگر صاحب نظران نیز در حوزه‌ی قرآن بر این باورند که موضوع ترادف با رویکرد تطبیق و جایگزینی کامل الفاظ در قرآن وجود ندارد.

این پژوهش در دو قسمت کلی به بررسی موضوع ترادف در زبان عربی و در حوزه‌ی قرآن در دو گروه متقدمان و متأخران پرداخت.

### ۱-۳- بیان اهمیت موضوع

گزینش دقیق و حکیمانه الفاظ قرآنی با معانی خاص هر جایگاه برای بیان و اثبات اعجاز خارق العاده قرآن کفایت می‌کند. چنانکه آمد دعوت همگان به تدبیر، به این مفهوم است که این نعمت الهی قابل دسترس، سرشار از برکات الهی به درخواست نیازمندان پاسخ مثبت می‌دهد. این داد و ستدی مستقیم است به همان اندازه که دقت و اندیشه بذل شود در پاسخ به همان اندازه رحمت و برکت از این مفاهیم والا دریافت می‌شود. خالق هستی معارفی نهفته در آیات و الفاظ قرآن به ودیعه نهاده است که باید برای وصول به آنها با درونی پاکیزه وارسته و با نیتی خالص و لایق به انتظار نشست.

مفسران و لغویان بر این باورند که اولین پایه‌ی مورد نیاز در علوم قرآنی، علوم لفظی است و بررسی الفاظ مفرد از جمله علوم لفظی به حساب می‌آید. به واقع اولین گام برای درک معانی قرآنی، دستیابی به معانی مفردات الفاظ قرآن است.<sup>۲</sup>

به واقع به علت جایگاه مهم این موضوع است که با محورهای متعدد، کتب و آثاری تدوین شده است. کتبی چون: مفردات، غریب القرآن، معانی القرآن، متشابه القرآن، فروق اللغة از این فعالیتها به شمار می‌آید. برخی دیگر با بررسی‌های بنیادی «فقه اللغة» به پیشینه‌ی زبان عربی می‌پردازند و در پرتو این مسائل فضای زبان عربی را به الفاظ قرآنی پیوند می‌دهند.

۱- (ر.ک) التبیان، طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، الاولى، ۱۴۱۷هـ، ج ۶، ص ۳۷.

۲- (ر.ک) مفردات، راغب، مقدمه.

در تفسیر آیات، به کسی مجوز نظر می‌دهند که به علم لغت آگاهی کاملی داشته باشد و در صورتی که فاقد این توانائی باشد نباید به تفسیر پردازد.<sup>۱</sup>

مهم‌ترین نکته‌ای که به این موضوع جایگاه ویژه‌ای می‌دهد، این است که تبیین الفاظ قرآنی با نزدیک‌ترین و متقارب‌ترین الفاظ ضرورتی غیر قابل انکار است. فهم درست الفاظ با تأکید بر تفاوت معانی آنها نیز جنبه‌ای دیگر از این اهمیت را به اثبات می‌رساند. اگر این مقدمات تا مرحله‌ی عمل به درستی و با دقت انجام پذیرد، اصل مؤکد تدبر در قرآن جامه عمل می‌پوشد و افراد فراخور توان خود، از این خوان گسترده بهره‌مند می‌شوند.

#### ۱-۴. پیشینه‌ی تحقیق

تألیفات متقدمان در این باب به طور مفصل در فصل دوم خواهد آمد. به همین دلیل به آثار متأخران در این قسمت در سه محور کتاب، پایان‌نامه، مقاله اشاره‌ی مختصری می‌شود.

#### ۱-۴-۱. کتب

#### \* «الترادف فی اللغة»<sup>۲</sup>

این اثر در ۳۳۲ صفحه با هدف بررسی ترادف در زبان عربی نگاشته شده است. در مقایسه با دیگر آثار، دقیق‌تر و کامل‌تر به طرح موضوعات در این باره می‌پردازد. مهم‌ترین نکته در روند این تألیف، قبول تطور به عنوان یک اصل حاکم بر تمامی مراحل و ادوار است. زیادی تا حد امکان به این عامل به دیده‌ی اصلی‌ترین و مؤثرترین گزینه نگاه می‌کند. زیادی در اثناء مطالب مربوط به ترادف، حجم قابل توجهی از الفاظ را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و علاوه بر این آثار افرادی چون ابن قتیبه و جاحظ و ابوهلال و دیگران را با دقت معرفی می‌کند.

#### \* «الترادف فی القرآن الکریم»<sup>۳</sup>

این کتاب در ۲۸۴ صفحه به موضوع ترادف در قرآن می‌پردازد. بررسی لغویان قدیم و جدید در قسمت نظری کتاب و استناد بر الفاظ در بخش تحلیلی به چشم می‌خورد. در اثنای پژوهش، مطالب این کتاب مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، به همین جهت تکرار آن‌ها در این بخش ضرورتی نخواهد داشت. به عنوان مثال، تعریفی که این نویسنده از ترادف ارائه می‌دهد با قیوداتی همراه است که به طور

۱- البرهان، زرکشی، ج ۱، صص ۳۹۹-۳۹۶؛ الاتقان، سیوطی، ج ۲، ص ۱۲۰۹.

۲- الترادف فی اللغة، حاکم مالک زیادی، منشورات وزارة الثقافة و الاعلام، الجمهورية العراقية، بی‌نا، ۱۹۸۰ م.

۳- الترادف فی القرآن الکریم، محمد نورالدین منجد، دارالفکر، دمشق، الاولى، ۱۹۹۷ م.

عملی نتیجه بخش نخواهد بود. هم‌چنین یکی از نکاتی که از نواقص بررسی‌های این نویسنده محسوب می‌شود خالی گذاشتن فاصله‌ی زمانی بین زمانی ۳۸۴ هـ و ابن مالک ۶۷۲ هـ است. در حالیکه بین این سالها آثار فراوانی در این موضوع با اصطلاحی غیر از مترادف تالیف شده است. هم‌چنین این نویسنده در دو مبحث دیگر یعنی اشتراک لفظی و تضاد نیز تألیفاتی دارد.

### \* «الفروق اللغوية و اثرها فی تفسیر القرآن»

این کتاب نیز در ۳۸۵ صفحه پدیده‌ی مترادف را با موضوعاتی چون: تعریف آن، گزارشی از موافقان و مخالفان مترادف، تألیفاتی در این زمینه به انضمام شواهدی از الفاظ قرآنی، مورد بررسی قرار می‌دهد. در طی مطالب پژوهش گزارش‌ها و استنتاجات نویسنده مورد نقد قرار می‌گیرد. مثل گزارش نادرست از نظریه‌ی ابن عربی و ابن اثیر، تصحیح متقدم دانستن رمانی و تصحیح نظر نویسنده درباره‌ی فیروزآبادی با مراجعه به کتاب موجود از این نویسنده و...

### \* «الترادف فی الحقل القرآنی»<sup>۲</sup>

نویسنده بیشتر مطالب کتاب را به الفاظ اختصاص می‌دهد و مطالب نظری را در ابتدای مبحث به سرعت طی می‌کند. به عنوان مثال برای معرفی پیشینه‌ی تاریخی تدوین مترادفات، فقط به اصمعی به عنوان اولین نگارنده بسنده می‌کند. در حالیکه آثار دیگری در این زمینه قبل از اصمعی به تدوین رسیده است.

برخی دیگر از کتب، در قسمتی از مطالب خود به این موضوع پرداخته اند:

### \* «جمالیات المفردة القرآنیة»<sup>۳</sup>، خطای یاسوف در اظهار نظر درباره‌ی عائشه عبدالرحمن، و

تصحیح آن با مراجعه‌ی مستقیم به کتاب این نویسنده در اثنای پژوهش می‌آید.

### \* «القرآن بین اللغة و الواقع»<sup>۴</sup>

### \* «علم الدلالة»<sup>۵</sup>

### \* «علم الدلالة»<sup>۶</sup>

۱ - الفروق اللغوية و اثرها فی تفسیر القرآن، محمدبن عبدالرحمن بن صالح شایع، مکتبه العبیکان، الرياض، ط ۱، ۱۹۹۲م.

۲ - الترادف فی الحقل القرآنی، دکتر عبدالعال سالم مکرم، الرسالة، الاولى، بیروت، ۲۰۰۱م.

۳ - جمالیات المفردة القرآنیة، احمد یاسوف، دارالمکتبی، دمشق، الاولى، ۱۹۹۴م، صص ۷۴-۵۷.

۴ - القرآن بین اللغة و الواقع، سامر اسلامبولی، الاوائل، دمشق، الاولى، ۲۰۰۵م، صص ۶۳-۴۴.

۵ - علم الدلالة، دکتر احمد مختار عمر، عالم الکتب، القاهرة، الخامسة، ۱۹۹۸م، صص ۲۳۱-۲۲۷.

۶ - علم الدلالة، دکتر حمدی بحیت عمران، الاکادیمیة للکتاب الجامعی، القاهرة، الاولى، ۲۰۰۷م، صص ۸۲-۶۵.